

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

اگر تاریخ استعمال برای ما مجهول بود که آیا این استعمال، قبل از وضع شرعی یا بعد از وضع شرعی بوده است؛ این جا کلام شارع برای ما مجمل می شود و نمی توان کلام او را بر معنای لغوی و معنای شرعی حمل کرد، و این مطلب بالصراحة در عبارات مرحوم آخوند نیست.

در همین فرضی که تاریخ، مجهول است؛ گروهی خواسته اند از راه اصالة تأخر استعمال، حمل بر معنای شرعی کنند که بیان شد و آخوند هم دو اشکال وارد کرد.

راه دوم (که حمل بر معنای لغوی است) گروهی هم خواسته اند در صورت جهل تاریخ استعمال، به طریقی بر معنای لغوی حمل کنند و آن راه، راه اصالة عدم النقل است؛ به این بیان که: در باب نقل يك اصل عقلائی مسلم داریم. اگر شك كنيم يك لفظی از معنایی به معنای دیگری نقل داده شده یا خیر، عقلاء می گویند: اصل، عدم نقل و عدم ثبوت نقل است.

در مانحن فیه، قائل می گوید: اصل نقل برای ما مسلم است؛ زیرا فرض را روی ثبوت حقیقت شرعی آوریم، و حقیقت شرعی، یعنی: لفظ از معنای لغوی به معنای شرعی نقل داده شده است. ولی تاریخ نقل برای ما مشکوک است که آیا زمان نقل قبل از این استعمال صلّ ... بوده است یا بعد از استعمال؟ نسبت به قبل از استعمال - مثلاً 2 سال قبل از استعمال - آیا این نقل از معنای لغوی به معنای شرعی بوده است یا نه؟ اصل، عدم نقل است؛ و عدم نقل را امتداد می دهیم حتی تا زمان استعمال و حین استعمال، که شك می کنیم در حین استعمال که آیا نقل بوده است یا نه؟ اصل، عدم نقل در حین استعمال است؛ و وقتی که حین استعمال، نقل نبود معنایش این است که استعمال بر وضع شرعی مقدّم است، و خود شما قبول دارید که اگر استعمال بر وضع شرعی مقدّم شد باید حمل بر معنای لغوی کنیم.

بیان آخوند در ردّ این راه:

اصل عدم النقل يك اصل عقلائی است و ما هم قبول داریم، ولی وقتی سراغ عقلاء می رویم و می پرسیم که این اصل را کجا جاری می کنید؟ می گویند: آن جا که شك در اصل نقل داریم و نمی دانیم آیا لفظی از معنای لغوی به معنای غیر لغوی نقل شده است این اصل را جاری می کنیم؛ ولی آن جا که اصل نقل معلوم است - مثل مانحن فیه - و تاریخ نقل برای ما روشن نیست عقلاء اصالة عدم النقل را جاری نمی کنند. سپس مرحوم آخوند با کلمه فتأمل اشاره می نمایند به اینکه اولاً در جریان اصالة عدم النقل فرقی بین دو مورد نیست و ثانیاً اشاره به این مطلب دارد که اساساً در الفاظ و محاورات شارع ممکن است گفته شود هیچ موردی که لفظی بدون قرینه استعمال شده باشد نداریم و در همه موارد قرینه بر اراده معنای شرعی وجود دارد، بنابراین موردی برای ثمره بحث حقیقت شرعی باقی نمی ماند و ثالثاً همین مقدار که شك کنیم عقلاء در صورت کافر جاری می کند کافی است در عدم حجیت این مطلب سوم را مشکینی در حاشیه فرموده است.

1 - مرحوم آخوند در أمر نهم، ثبوت حقیقه شرعیه را بر دو رکن استوار کردند:

الف. باید وضع تعیینی استعمالی را پذیرفت و در غیر این صورت بحث از حقیقت شرعیه لغو است. و وضع تعیینی به طوری که مختص به کلام شارع باشد، ثابت نیست.

ب. باید یقین داشت که معانی این الفاظ، يك معانی مستحدثه در شریعت ماست، ولی اگر احتمال داد که این معانی در شرایع سابقه بوده است بحث حقیقت شرعیه به طور کلی کنار می رود.

2 - در باب ثمره حقیقت شرعیه، مرحوم آخوند، ثمره را در يك فرض پذیرفتند و آن جایی است که علم به تأخر استعمال از وضع شرعی داشته باشیم؛ ولی جایی که شك داریم، ثمره را منکر شدند.

3- ثمره بحث حقیقت شرعیه متوقف است بر این که ما يك استعمالات مجرد از قرینه در کلام شارع داشته باشیم؛ و اگر کسی گفت هر جا که شارع استعمال کرده، قرینه هم آمده است بحث حقیقت شرعیه لغو می شود.

أمر نهم: صحیح و اعمّ

بحث در این است که آیا شارع الفاظ عبادات یا الفاظ معاملات را برای خصوص صحیح از اینها وضع کرده است، یعنی: به نمازی که صحیح است و همه اجزاء و شرایط را دارد می گوید: صلاة و اگر صلاة را در نماز فاسد استعمال کرد يك استعمال مجازی است؛ و یا این که این الفاظ را برای اعمّ از صحیح و فاسد وضع کرده است؟

ابتداء آخوند بحث عبادات را مطرح می کند. قبل از ورود به بحث، 5 مطلب را برای توضیح محلّ بحث ذکر می کنیم:

مطلب اوّل

آیا این نزاع از متفرّعات قول حقیقت شرعیه است، یعنی: کسانی که قائل به ثبوت حقیقت شرعیه اند می توانند داخل این نزاع شوند یا حتی کسانی که منکرند هم می توانند داخل نزاع شوند؟

ما اگر حقیقت شرعیه را پذیرفتیم این نزاع تصویر روشنی دارد و می گوییم: شارع که صلاة را برای معنای شرعی وضع کرد، آیا برای خصوص صحیح وضع کرد یا اعمّ از صحیح و فاسد؟

اما آیا کسانی که منکر حقیقت شرعیه اند می توانند داخل این بحث شوند؟

آخوند می فرماید: کسی که حقیقت شرعیه را منکر است، تصویر آن مشکل است که بگوید: صلاة برای صحیح و اعمّ وضع شده است؛ نهایت می توانیم ثبوت چیزی را تصویر کنیم گرچه اثبات تصویر ندارد.

تصویر ثبوتی: اگر کسی منکر حقیقت شرعیه شد نمی تواند منکر اصل استعمال مجازی شارع بشود، یعنی: کسی نمی تواند منکر شود که شارع این الفاظ را در معانی شرعیه استعمال کرده است، لکن قائل به حقیقت شرعیه می گوید: این استعمال، حقیقی

است؛ و منکر حقیقت شرعیه می‌گوید: این استعمال، مجازی است.

حال می‌گوییم: آیا شارع که این الفاظ را در معانی شرعیه به نحو مجاز استعمال کرد و با توجه به اینکه مجاز علاقه می‌خواهد، شارع بین کدامیک از این صحیح و اعمّ و معنای لغوی رعایت علاقه کرده است؟ آیا شارع بین معنای لغوی و معنای شرعی صحیح رعایت علاقه کرده است؟ مثلاً شارع بین معنای لغوی صلاّ که دعا است با معنای شرعی صحیح رعایت علاقه کرده است.

اگر فرض کنیم که شارع بین معنای لغوی و معنای شرعی صحیح رعایت علاقه کرده است، معنای شرعی صحیح می‌شود معنای مجازی اوّل. اگر خود شارع در يك استعمالی معنای اعمّ را اراده کرد، با چنین فرضی که اوّل و ابتداءً بین معنای لغوی و معنای شرعی صحیح رعایت علاقه شده بود، این معنا می‌شود معنای مجازی دوّم. حال می‌پرسیم در مجاز دوّم باید شارع بین چه چیزی رعایت علاقه کند؟ شارع باید بین معنای مجازی دوّم و اوّل رعایت علاقه کند که این را در اصطلاح معانی بیان، سبک (گرفتن) مجاز از مجاز گویند. در نتیجه شارع در این فرض همین مقدار که قرینه صارفه نسبت به معنی لغوی بیاورد و قرینه معینه‌ای بر معنای اعمّ نیاورد، می‌فهمیم که معنای مجازی صحیح را اراده فرموده است.

پس منکر حقیقت شرعیه، اصل استعمال در معنای شرعی را نمی‌تواند منکر شود ولی می‌گوید: استعمال، مجازی است و به این ترتیب منکر حقیقت شرعیه هم در بحث داخل می‌شود.

بعد آخوند می‌فرماید: در باب مجاز ما به‌طور کلی دو قرینه لازم داریم:

اوّل: قرینه صارفه که لفظ را از معنای حقیقی برمی‌گرداند.

دوّم: قرینه معینه که مشخص کند کدامیک از معانی مجازی اراده شده است.

پس در باب مجاز دو قرینه می‌خواهیم، ولی گاهی این دو قرینه در يك چیز جمع می‌شوند مثل: رأیت اسدا یرمی که «یرمی» هم قرینه صارفه و هم معینه است.

سپس آخوند می‌گوید: حال در مقام اثبات می‌گوییم: اوّلاً شما چه راهی دارید که تشخیص بدهید که شارع بین معنای لغوی و معنای مجازی صحیح یا بین معنای لغوی و معنای مجازی اعمّ رعایت علاقه کرده است؟ اثباتا نمی‌توانید تشخیص بدهید.

و ثانیاً باید بگوییم بناء شارع در محاورات خودش بر خلاف سایر محاورات عقلائیّه است، یعنی در سایر محاورات برای اراده معنای مجازی نیاز به دو قرینه است، یکی قرینه صارفه و دیگری قرینه معینه، لکن بنای شارع بر این است که هنگامی که اراده معنای مجازی صحیح کند به همان قرینه صارفه و عدم اقامه قرینه معینه برای اراده معنای مجازی اعمّ اکتفا می‌کند و در نتیجه برای اراده معنای مجازی صحیح قرینه معینه اقامه نمی‌کند. البته این مثال در فرضی است که شارع بین معنای لغوی و مجازی صحیح رعایت علاقه‌نموده باشد. لکن اشکال آن است که نمی‌توانیم اثبات کنیم شارع در محاورات خودش چنین روشی دارد.

پس ثبوتاً تصویر دارد که منکر حقیقت شرعیه وارد این نزاع شود ولی اثباتاً راهی نداریم.

و صَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ

